

درچه

نقش فعال مساجد تهران در قیام ۱۵خرداد

در تهران، محوریّت اصلی تظاهرات و جنبش‌ها یا مساجد بود.

مسجد ارک

مسجد ارک از موقعیتی برخوردار بود که از طرفی به‌خاطر وجود ادارات مختلف، محل رجوع افسران مختلفی از عموم مردم بود و از سوی دیگر بازاربان تهران با سابقه در مبارزات ضداستبدادی از جمله در انقلاب مشروطه رفت‌وآمد بسیاری به آنجا داشتند، همین مسئله باعث شد که حکومت پهلوی کنترل بیشتری بر آن داشته باشد. به‌طور نمونه حکومت از ترس اینکه مبادا بعد از مجلسی روضه خوانی روز عاشورا در مسجد ارک، مردم تظاهرات کرده و علیه شاه شعار بدهند، به ساواک، شهربانی و گارد شاهنشاهی دستور داده بود تدابیر لازم جهت جلوگیری از تظاهرات را انجام دهند.



مسجد حاج ابوالفتح

به‌دلیل دستور امام خمینی(ره) از اول حرم، مجامع و محافل گسترده در سراسر کشور برای روشنگری و افشای رژیم وابسته به استکبار پهلوی بر گراز شد و در دسته‌های سی‌هزار نفری و نیز جزئی سی‌هزاره‌های انقلابی مطرح شد. از جالب‌ترین این برنامه‌ها تظاهرات روز عاشورا (۱۳ خرداد) تهران بود که از مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه سابق آغاز شد.



مسجد سید مرتضی‌الله

مسجد سید مرتضی‌الله، شیخ علی، امین‌الدوله و آذربایجانی‌ها نیز به‌عنوان محل شکل‌گیری هسته‌های مبارزاتی اهمیت ویژه‌ای داشتند و مرکز ارتباط روحانیان و بازاربان بودند. نقطه عطف اصلی مبارزات با روی کار آمدن اسدالله علم و اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و به مبارزه علمی، علما، بازاربان و سایر طبقات با رژیم پهلوی مبدل شد. به‌دلیل سخنرانی امام خمینی(ره) در خرداد ۱۳۴۲ در مسجد سید مرتضی‌الله مراسم دعا و تپایش بر گراز شد.



مسجد آذربایجان ها

مسجد شیخ عبدالحسین که در بازار تهران واقع شده به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است. این مسجد نیز مرکز فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی و سیاسی بود. مرحوم فلسفی در شب عاشورای سال ۱۳۸۳ ه‍.ق (۱۳۴۲) در این مکان بحث‌هایی را آغاز کرد که گرازش‌هایی از منبرهای ایشان در اسناد ساواک و شهربانی آمده است. جالب آنکه اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت و نصیری (رئیس ساواک)، برخی امرای ارتش و عده‌ای ساواکی، مستمع سخنان وی بودند.



فرهنگ

قهرمانان و ضد قهرمانان یک قیام

نگاهی به شخصیت‌های شاخص در واقعه ۱۵ خرداد و سرکوب آن

یکی از حرکت‌های محوری سیاسی در تاریخ معاصر ایران،

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمسی است که تأثیر و بزای بر رویدادهای بعدی که با انقلاب اسلامی منجر شد، گذاشت.

گزارش **فیلمه پناه آذر**

روزنامهنگار



سیدمحمد تقی

سمت و پیشینه کاری: در زمان کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲، فرمانده نظامی تیپ گیلان بود اما بر پایه اسناد موجود، خرده‌گیری سیاسی فرنی علیه حکومت محمدرضا شاه پهلوی از پایان ۱۳۳۵ و در دوران نخست‌وزیری حسین علاء آغاز شد. در این دوران فرنی منتقد دولت‌های وقت بود و انتقاداتش از زمان نخست‌وزیر مینوچهر اقبال در فروردین ۱۳۴۶ بالا گرفت. فرنی در مهرماه ۱۳۴۶ به درجه سرلشکری رسید که این امر نشانگر اعتماد محمدرضا پهلوی به او تا این تاریخ است، اما در ۲۶ بهمن ۱۳۴۶ وی که با درجه سرلشکری در جایگاه رکن دوم ستاد ارتش بود از این سمت برکنار شد.

نقش در واقعه ۱۵ خرداد: مبارزه سیاسی عملگرایی سپهبد فرنی از ۱۳۴۶ آغاز شد، هنگامی که ریاست رکن دوم ارتش را برعهده داشت طرح کودتایی را برای براندازی تاج و تخت محمدرضا شاه پهلوی ریخت که افضای آن، به دستگیری وی در ۸ اسفند ۱۳۳۶ انجامید. پس از روشن شدنسناهی درباره نقش امیرکاگرین دستگیری فرنی، وی در ۳۱ تیر ۱۳۳۷، از ارتش شاهنشاهی اخراج شد.فرنی در هشته آذر ۱۳۳۹، پس از گذراندن ۳سال و ۹ماه زندان، آزاد و پس از آزادی از زندان، از ۱۳۴۱ کوشش خود را علیه حکومت پهلوی بررنگ تر ساخت.همراهی فرنی افرادی چون محمدهادی میلانی و ای‌الله طالقانی در جریان قیام ۱۵ خرداد باعث شد که بار دیگر ابتدا ۹ ماه و سپس ۳سال زندانی شود.

سرانجام: سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ به ضرب گلوله اعضای گروه فرقان در خانه‌اش ترورش شد.

فرهنگ



یکی از حرکت‌های محوری سیاسی در تاریخ معاصر ایران، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمسی است که تأثیر و بزای بر رویدادهای بعدی که با انقلاب اسلامی منجر شد، گذاشت.

در این برهه تاریخی افراد زیادی بودند که نقش زیادی چه در شکل‌گیری این اتفاق و چه کشتار مردم داشتند. در این نوشتار، به معرفی و نقش این افراد پرداخته شده است.



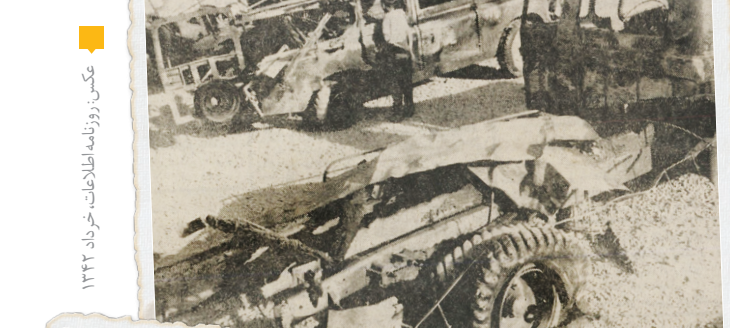
سیدمحمد تقی

سمت و پیشینه کاری: طباطبایی رفیعی نخستین نفری است که خبر محمدرضا شاه پهلوی از پایان ۱۳۳۵ و در دوران نخست‌وزیری حسین علاء آغاز شد. در این دوران فرنی منتقد دولت‌های وقت بود و انتقاداتش از زمان نخست‌وزیر مینوچهر اقبال در فروردین ۱۳۴۶ بالا گرفت. فرنی در مهرماه ۱۳۴۶ به درجه سرلشکری رسید که این امر نشانگر اعتماد محمدرضا پهلوی به او تا این تاریخ است، اما در ۲۶ بهمن ۱۳۴۶ وی که با درجه سرلشکری در جایگاه رکن دوم ستاد ارتش بود از این سمت برکنار شد.

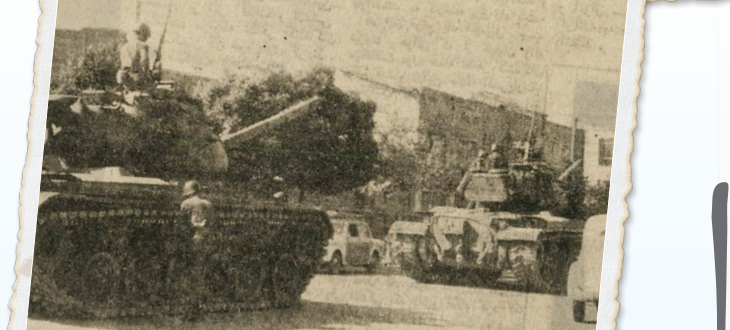
نقش در واقعه ۱۵ خرداد: در قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ تعداد زیادی از مردم و شهدای محمادیاب عرب‌ها از مسیری فرنی به سمت تهران حرکت کرده و نزد یک بل باقرآباد به سایر مردم که از پیشوا و ورامین در حمایت از امام راه افتاده بودند، پیوستند. شهید طباطبایی در جلو جمعیت حضور داشت و هنگام رسیدن به بل باقرآباد با تعداد زیادی از نیروهای شاه که با اتوبوس‌های واحد به این محل منتقل شده بودند، مواجه شد. به نقل از شاه‌آباد عینی گفته می‌شود که نیروهای شاه بدون هیچ‌گونه اخطار قبلی به‌سمت مردم تیراندازی کردند. اسلحه تیروهای شاه از نوع برون بود و چون این اسلحه تک تیر است، صدای زیادی نشاند و قیام کنندگان با سردادن شعارهایی مانند «بنیابه پنه‌یاب» اینگونه تصور کرده بودند که تیرها مشقی است ولی در همین تیراندازی تعدادی از جوانان حاضر در جمعیت از جمله شهید طباطبایی مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

سرانجام: شهید سیدمرتضی طباطبایی رفیعی یکی از ۷ شهید قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ است که یکپرش در گورستان سنگرآباد دفن شد. ولی خانواده‌اش با تلاش فراوان مزارش را پیدا کرده و یکپرش را به زادگاهش در روستای محمدآباد عرب‌ها از توابع ورامین منتقل کردند.

هلمشهرای



یکی از حرکت‌های محوری سیاسی در تاریخ معاصر ایران، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمسی است که تأثیر و بزای بر رویدادهای بعدی که با انقلاب اسلامی منجر شد، گذاشت.



سیدمحمد تقی

سمت و پیشینه کاری: طباطبایی رفیعی نخستین نفری است که خبر محمدرضا شاه پهلوی از پایان ۱۳۳۵ و در دوران نخست‌وزیری حسین علاء آغاز شد. در این دوران فرنی منتقد دولت‌های وقت بود و انتقاداتش از زمان نخست‌وزیر مینوچهر اقبال در فروردین ۱۳۴۶ بالا گرفت. فرنی در مهرماه ۱۳۴۶ به درجه سرلشکری رسید که این امر نشانگر اعتماد محمدرضا پهلوی به او تا این تاریخ است، اما در ۲۶ بهمن ۱۳۴۶ وی که با درجه سرلشکری در جایگاه رکن دوم ستاد ارتش بود از این سمت برکنار شد.

نقش در واقعه ۱۵ خرداد: پس از اعلام لواج شش گانه، او نیز به پیروی از حضرت امام‌خمینی(ره) به مخالفت با اهداف سیاسی رژیم پرداخت و چنان‌نقش مهمی در گسترش مبارزات مردم مردم داشت که رژیم مجبور شد هم‌زمان با سرکوبی قیام ۱۵ خرداد، او را نیز شباه دستگیر کند.وقتی مأمورین به منزل او هجوم بردند، مردم خود را سپر ساختند و مانع از دستگیری او شدند. مأموران افراد بسیاری را بازداشت کردند و سرانجام شهید دستغیب برای آزادی مردم خود را به فرمانداری نظامی معرفی کرد.او ا تحت فشار مرکز به تهران اعزام کرده و به زندان فرستادند و پس از آزادی، با اسلحه او را تجدید کردند.

سرانجام در روز ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰، هنگامی که عازم نماز جمعه بود، به‌دست یکی از اعضای گروهک گرومک منافقین به شهادت رسید.

هلمشهرای



سیدمحمد تقی

اسدالله علم سمت و پیشینه کاری: بعد از حذف امینی، در سال ۱۳۴۱ نخست‌وزیر حکومت پهلوی شد.

نقش در واقعه ۱۵ خرداد: مهم‌ترین حادثه زمان نخست‌وزیری علم قیام ۱۵ خرداد بود که گذشته از چگونگی حادثه و علل و عوامل آن بی‌گمان نقش علم در این حادثه بسیار مؤثر بود به‌طوری که هرچند شاه در رأس هرم قدرت عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری درباره چگونگی برخورد با تظاهرات کنندگان نبود اما در این میان نقش کلیدی را در سرکوب تظاهرات کنندگان شخص اسدالله علم،نخست‌وزیر برعهده داشت. درپوش همایون که خود سال‌ها در دوران محمدرضاشاه از دولت‌مدان عالی مقام کشور محسوب می‌شد، نقش قطع علم در پایان دادن به قیام ۱۵ خرداد را مورد تصدیق قرار می‌دهد.

سرانجام: ۲۵ فروردین ۱۳۵۷، اسدالله‌علم، وزیر پیشین دربار رژیم پهلوی در بیمارستانی در نیویورک به‌دلیل بیماری سرطان خون در ۹۰سالگی درگذشت.



سیدمحمد تقی

آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب سمت و پیشینه کاری: امام جمعه شیراز از ۵۹ تا ۶۰ دومین شهید محراب و از مبارزان سیاسی در دوران پهلوی

حسن پاکزوان سمت و پیشینه کاری: قبل از قیام ۱۵ خرداد تا روی کار آمدن نصیری، رئیس ساواک بود.

نقش در واقعه ۱۵ خرداد: پاکزوان دستور داد که تظاهرات ۱۵ خرداد را سرکوب کند و به دستور او امام‌خمینی(ره)، آقای قمی و آقای محلائی را به ترتیب از قم، مشهد و میواز گرفتند و مستقیم‌ا به زندان بردند. همچنین به دستور وی حدود ۲۰۰ نفر از علما را



سیدمحمد تقی

ار تشدید غلامعلی اویسی سمت و پیشینه کاری: در سال ۱۳۱۷ ریاست بخش های گوناگون نظامی را برعهده داشت. او در سال ۱۳۳۲، فرمانده هنگ ۱۶ تیپ کارزون شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به پاس خدماتش نشان درجه دوم رستخیز گرفت. پس از طی دوره دانشگاه جنگ در تهران و دوره ستاد و فرماندهی در آمریکا در سال ۱۳۳۹ به ریاست ستاد گارد و در ۱۳۴۱ به فرماندهی لشکر یک گارد رسید.

نقش در واقعه ۱۵ خرداد: فرمانده لشکر یک گارد، فرماندار نظامی تهران در سال ۱۳۵۷ و عامل کشتار ۱۷ شهریور تهران

سرانجام: ۲۸ بهمن ۱۳۶۲ به‌دست افرادی شناسان در پاریس به قتل رسید.



سیدمحمد تقی

عزادری ماعزعلی تظاهرات اتوبوسی و نمایش‌های خیابانی تبدیل شد

دستگیر کردند و در عشرت‌آباد در سلول‌های افرادی انداختند. او عصر روز ۱۵ خرداد در یک نطق رادیو - تلویزیونی، علیه امام‌خمینی و قیام‌کنندگان صحبت کرد. وی دستور کشتار مردم قم را در قیام ۱۵ خرداد صادر کرده بود و در نتیجه، حدود ۱۵ هزار نفر در تهران و سایر شهرها که خون کشیده شدند.

سرانجام: پاکزوان روز ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ در زندان قصر تهران به اتهام خیانت و مفسد فی‌الارض بودن به دستور صادق خلغاتی تیرباران شد.

فرهنگ



قیام در آیینه مطبوعات



روزنامه اطلاعات ۱۶ خرداد ۱۳۴۲

جریان شروع تظاهرات و زد و خورد های تهران



روزنامه کیهان ۱۶ خرداد ۱۳۴۲

تظاهرات خیابانی و حوادث دیروز



روزنامه آسیای جوان ۱۶ خرداد ۱۳۴۲

عزاداری ماشورا به تظاهرات خونین سیاسی و نمایش های خیابانی تبدیل شد

امام در دیدار یکی از وعظ‌های تهران با بیان در استنه محرم از این تدابیر چنین سخن گفته‌است: «تصمیم دارم (برای ماه محرم) مکانییی برای اهل منبر ووعظ خورستان، شیراز، لرستان، تبریز و یزد بنویسم و متکلمینی هم بفرستم. در تهران هم ششما آقایان، نکات تاریک کارهای ظلمه را در منبرها تبلیغ بفرمایید.»

برخی از این پیام‌ها در صفحه امام آمده است. پیام‌های مذکور برای علما، روحانیون و وعظ‌شهرهای همدان، رشت، بستان‌آباد، کرمان و یکی از بازاربان تهران فرستاده شده‌است. صفحه امام چ ۱- ۲۰۲- ۲۲۲، ۲۲۰- ۲۲۳، ۲۲۴- ۲۲۹ و ۲۳۸- ۲۴۱- ۲۴۰.

امام خمینی در اقدام اساسی دیگری یک پیام عمومی خطاب به عموم شهرات تبلیغ محرم و خطبای معظم و عموم طبقات محترم» صادر و تصریح کردند: «در این ایام که دستگه جبار از خود، آنکه مبدا در ملایر، جامع سلیمان، شرح مظلوم و اعمال خلاف انسانی و ضدندینی و وطنی آنها داده شد، دست به رسوایی دیگری زده و درصدد گرفتن التزام و تعهد از سلیمان محترم و سران حیات عزادار است که از ا مطالبدم بزنند و دستگه جبار را به‌خودسری و آنگازند. لازم است، فریضه فدیه خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند. آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی‌امیه نیست. سکوت در این ایام، تأیید دستگه جبار و کمک به دشمنان اسلام است.»

- امام پیام خمینی(ره) به روحانیون و وعظ و خموص دعوت به افشای حیات‌های شاه‌در محرم، محیفه امام، چ ۱- صص ۳۳۰- ۳۲۹.

براساس گزارش ساواک در چند روز اول محرم، اهل منبر حلات شدیدی علیه دولت به عمل نمی‌آورند و فقط عده‌ای از آنان با اشاره و کنایه، انتقاداتی می‌گردند.ولی پس از انتشار اعلامیه جدید امام، خمینی که در آن دستوراتی راچیه تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی بر ضد دولت داده‌شده روش آنان تغییر یافته و در مجالس و محافل بنینی با شدت مردم را تحریک علیه دولت تبلیغ می‌کنند. انتشار این اعلامیه حتی روش آن عده از یارانشان گام‌نهمی را که کمتر وارد جنتال‌های سیاسی می‌شدند، تغییر داد. چون خود را به موجب دعوی امام، خمینی سرعاً مسئول می‌دانند. شروع به تظاهرات و تحریک کردند.»

کتاب قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، چ ۲، فیهیه، ص ۳۴۹.

ماجرای دیدار امام(ره) از هیئت مسجد جمعه در خیابان آذر به تفصیل در خاطرات یکی از اعضای فعال آن مسجد آمده‌است: «در استانه ورود امام به آن محله، جمعیت در خیابان آذر و پشت‌بام‌های محله موسی جق، خیل استقبال کنندگان از امام با شوقی و صف‌بندیز همراه امام وارد مسجد شدند. امام هم‌راهش تا پاسی از شب در آن مجلس تجمع نشنند و بر مراسم و سینه‌زنان آنها نظاره کردند. در پایان، آنان با بدقه گمر اهل‌الی محل به منزل مراجعت کردند. از همین‌روست که جوانان مسجد جمعه در تهیه تدارکات برنامه سخنرانی روز عاشورای امام در مدرسه فیضیه نقش چشمگیری داشتند. آنان حتی بااحتمال آن فرض که ممکن است در جریان سخنرانی امام، مقامات شهر برقی مدرسه فیضیه را قطع کنند، تعدادی باتسری تهیه کرده بودند که به محض قطع برقی بلندگوهای فیضیه را دوباره به‌کار انداختند. همچنین آنان کتاب خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، صص ۱۲۴، ۱۲۷ و ۱۲۹، خاطرات حجت‌الاسلام عبدالمجید سعادت‌خواه.

سخنرانی صریح امام خمینی(ره) در قم به مناسبت عاشورورا در مخالفت با شاه: «من به شما نصیحت می‌کنم آقای شاه، من به تو نصیحت می‌کنم دست از این اعمال بردار. من میل ندارم که اگر روزی ارباب‌ها بخواهند تو بروی، مردم شکر گذاری کنند. من نمی‌خواهم تو اینطور باشی. من میل ندارم تو مثل پدرت بشوی، نصیحت مرا بشنوی، از علمای اسلام بشنو، اینها صلاح ملت را می‌خواهند، اینها صلاح مملکت را می‌خواهند…»

سخنرانی امام خمینی(ره) در قم به مناسبت عاشورورا در مخالفت با شاه: «من به شما نصیحت می‌کنم آقای شاه، من به تو نصیحت می‌کنم دست از این اعمال بردار. من میل ندارم که اگر روزی ارباب‌ها بخواهند تو بروی، مردم شکر گذاری کنند. من نمی‌خواهم تو اینطور باشی. من میل ندارم تو مثل پدرت بشوی، نصیحت مرا بشنوی، از علمای اسلام بشنو، اینها صلاح ملت را می‌خواهند، اینها صلاح مملکت را می‌خواهند…»

سخنرانی امام خمینی(ره) در قم به مناسبت عاشورورا در مخالفت با شاه: «من به شما نصیحت می‌کنم آقای شاه، من به تو نصیحت می‌کنم دست از این اعمال بردار. من میل ندارم که اگر روزی ارباب‌ها بخواهند تو بروی، مردم شکر گذاری کنند. من نمی‌خواهم تو اینطور باشی. من میل ندارم تو مثل پدرت بشوی، نصیحت مرا بشنوی، از علمای اسلام بشنو، اینها صلاح ملت را می‌خواهند، اینها صلاح مملکت را می‌خواهند…»

درنگ

ظرفیت محرم برای قیام



هر چند از مدت‌ها پیش اهمیت رسانه منبسر و کاربرد پیام‌رسانی آن برای آموزه‌های نهضت آشکار شده بود ولی چنین می‌آماید که منابر و مجالس محرم سال ۴۲ به جدی‌ترین عرصه مبارزه بین روحانیت و نظام تبدیل شد؛ بنابراین، یقین می‌توان از این دوره به‌عنوان «انقلاب منبر» نام برد. انقلابی که نقطه اوج آن در تظاهرات ماشورا و سپس قیام ۱۵ خرداد تبلور یافت. براساس گزارش‌های ساواک، امام چندین بار برای گروه‌های متشکل طلاب اعزامی به روستاها و شهرها سخنرانی کرد و آنان را به پایداری و مقاومت فراخواند.

ایشان در فرارهایی از سخنرانی‌های خویش خطاب به این طلاب تصریح می‌کنند: «قلب‌های خود را فری می‌کنید برای محرم هیچ ترسیمی نداشته باشید. هروقت از منبر شما جلوگیری کنید، برای من پیام جدید تا من به مردم سخنرانی خواهم داد که چه باید بکنند.» ایشان در فرسار پایانی همین سخنرانی آکید می‌کند: «شاه و دولت را در هم خواهیم کوبید.» «محرم-حج، چنین زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی(ره) تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، سند شماره ۶۰»

محصل این اراده، تبدیل مجالس سوگوارى نقاط مختلف کشور به محافل سیاسی منظم بود. بسیاری از این تکیاها که از دید مأموران ساواک نیز به دور نبود، در گزارش‌های آنها بازتاب یافته است. در یکی از گزارش‌ها اشاره به اعزام طلاب به شهرستان‌ها به هماهنگی‌های معمول آمده جهت حمایت آیت و علمای منتقد شهرستان‌ها جمله ای‌الله علی مشهدیه، ای‌الله محمود فیضی‌ری در رشت، آیت‌الله علی اعرص صالحی کرمانی در کرمان، آیت‌الله علی محمدسورجی در دی‌تلاز، آیت‌الله آخوند ملاطی معصومی همدانی در همدان از طلاب اعزامی در فرارهایی از سخنرانی‌ها ماه محرم تأکید شده‌است. ۱۵ خرداد به به روایت اسناد ساواک، چ ۲، فیهیه، ص ۳۴۴.

امام در دیدار یکی از وعظ‌های تهران با بیان در استنه محرم از این تدابیر چنین سخن گفته‌است: «تصمیم دارم (برای ماه محرم) مکانییی برای اهل منبر ووعظ خورستان، شیراز، لرستان، تبریز و یزد بنویسم و متکلمینی هم بفرستم. در تهران هم ششما آقایان، نکات تاریک کارهای ظلمه را در منبرها تبلیغ بفرمایید.»

برخی از این پیام‌ها در صفحه امام آمده است. پیام‌های مذکور برای علما، روحانیون و وعظ‌شهرهای همدان، رشت، بستان‌آباد، کرمان و یکی از بازاربان تهران فرستاده شده‌است. صفحه امام چ ۱- ۲۰۲- ۲۲۲، ۲۲۰- ۲۲۳، ۲۲۴- ۲۲۹ و ۲۳۸- ۲۴۱- ۲۴۰.

امام خمینی در اقدام اساسی دیگری یک پیام عمومی خطاب به عموم شهرات تبلیغ محرم و خطبای معظم و عموم طبقات محترم» صادر و تصریح کردند: «در این ایام که دستگه جبار از خود، آنکه مبدا در ملایر، جامع سلیمان، شرح مظلوم و اعمال خلاف انسانی و ضدندینی و وطنی آنها داده شد، دست به رسوایی دیگری زده و درصدد گرفتن التزام و تعهد از سلیمان محترم و سران حیات عزادار است که از ا مطالبدم بزنند و دستگه جبار را به‌خودسری و آنگازند. لازم است، فریضه فدیه خود را در این ایام در اجتماعات مسلمین ادا کنند. آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی‌امیه نیست. سکوت در این ایام، تأیید دستگه جبار و کمک به دشمنان اسلام است.»

- امام پیام خمینی(ره) به روحانیون و وعظ و خموص دعوت به افشای حیات‌های شاه‌در محرم، محیفه امام، چ ۱- صص ۳۳۰- ۳۲۹.

براساس گزارش ساواک در چند روز اول محرم، اهل منبر حلات شدیدی علیه دولت به عمل نمی‌آورند و فقط عده‌ای از آنان با اشاره و کنایه، انتقاداتی می‌گردند.ولی پس از انتشار اعلامیه جدید امام، خمینی که در آن دستوراتی راچیه تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی بر ضد دولت داده‌شده روش آنان تغییر یافته و در مجالس و محافل بنینی با شدت مردم را تحریک علیه دولت تبلیغ می‌کنند. انتشار این اعلامیه حتی روش آن عده از یارانشان گام‌نهمی را که کمتر وارد جنتال‌های سیاسی می‌شدند، تغییر داد. چون خود را به موجب دعوی امام، خمینی سرعاً مسئول می‌دانند. شروع به تظاهرات و تحریک کردند.»

کتاب قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، چ ۲، فیهیه، ص ۳۴۹.

ماجرای دیدار امام(ره) از هیئت مسجد جمعه در خیابان آذر به تفصیل در خاطرات یکی از اعضای فعال آن مسجد آمده‌است: «در استانه ورود امام به آن محله، جمعیت در خیابان آذر و پشت‌بام‌های محله موسی جق، خیل استقبال کنندگان از امام با شوقی و صف‌بندیز همراه امام وارد مسجد شدند. امام هم‌راهش تا پاسی از شب در آن مجلس تجمع نشنند و بر مراسم و سینه‌زنان آنها نظاره کردند. در پایان، آنان با بدقه گمر اهل‌الی محل به منزل مراجعت کردند. از همین‌روست که جوانان مسجد جمعه در تهیه تدارکات برنامه سخنرانی روز عاشورای امام در مدرسه فیضیه نقش چشمگیری داشتند. آنان حتی بااحتمال آن فرض که ممکن است در جریان سخنرانی امام، مقامات شهر برقی مدرسه فیضیه را قطع کنند، تعدادی باتسری تهیه کرده بودند که به محض قطع برقی بلندگوهای فیضیه را دوباره به‌کار انداختند. همچنین آنان کتاب خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، صص ۱۲۴، ۱۲۷ و ۱۲۹، خاطرات حجت‌الاسلام عبدالمجید سعادت‌خواه.

زمان نگار واقعه ۱۵ خرداد

۱۶مهر۱۳۴۱

انتشار خبر تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در جریان دادن حق رأی به زنان، حذف قید التزام به اسلام از شرایط انتخاباتی کنندگان و انتخاب‌شوندگان انتخابات، سوگند خوردن منتخبین به «کتاب آسمانی» و نه قرآن

۱۷مهر۱۳۴۱

مخالفت امام خمینی(ره) و علمای قم با این لایحه، ارسال تلگراف علما به شاه و درخواست لغو فوری لایحه

۲۸مهر۱۳۴۱

ارسال تلگراف علما به اسدالله علم، نخست‌وزیر، در واکنش به جواب شاه به علما

۱۵آبان۱۳۴۱

ارسال تلگراف امام خمینی(ره) به شاه و علم و تذکر درباره عدم انجام اعمال مخالف دین

۲۱آبان۱۳۴۱

عقب‌نشینی دولت با ارسال تلگراف نخست‌وزیر به ۳ نفر از روحانیون قم و اعلام اینکه شروط التزام به اسلام و سوگند به قرآن بابرجاست

۱۰آذر۱۳۴۱

اعلام خبر لغو تصویب‌نامه مورخ ۱۴مهر۱۳۴۱ در مطبوعات

۱۱آذر۱۳۴۱

عقب‌نشینی دولت با ارسال تلگراف نخست‌وزیر به ۳ نفر از روحانیون قم و اعلام اینکه شروط التزام به اسلام و سوگند به قرآن بابرجاست

۱۹دی۱۳۴۱

سخنرانی امام خمینی(ره) و حمله به دولت که مطبوعات را به توهین به علمای اسلام وامی‌دارد

۱۸اسفند۱۳۴۱

سخنرانی شاه در افتتاحیه کنفرانس اقتصادی تهران و تأکید بر دادن حق رأی به زنان

۱۷اسفند۱۳۴۱

سخنرانی امام خمینی(ره) در جمع روحانیون، طلاب، اهالی قم و زائران حرم حضرت فاطمه معصومه(س) در عید فطر و تأکید بر ایستادگی در برابر اعمال خلاف شرع و قانون

۲۹اسفند۱۳۴۱

سخنرانی امام(ره) در جمع روحانیون و اهالی قم: «مسائل امام عبد نادریم و این عید را عزای ملی اعلام می‌کنیم…»

۶بهمن۱۳۴۱

برگزاری رفراندوم با ۵میلیون و ۶۰۰هزار رأی موافق و ۴هزار و ۵۰۰ رأی مخالف

۴بهمن۱۳۴۱

تعطیلی بازار تهران و تظاهرات ضددولتی و اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران با شعار: «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه »

۳بهمن۱۳۴۱

ادامه تظاهرات مردم علیه رفراندوم، واکنش دولت به اعتراضات در مطبوعات

۲بهمن۱۳۴۱